

مجله‌ی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، مقاله‌ی علمی-پژوهشی

سال سیزدهم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۱۴۰۱ (پیاپی ۲۵)، صص ۲۸۹-۳۱۲

DOI: 10.22099/JCLS.2021.39284.1851

تحلیل عنوان رمان‌های نوجوان (رمان هستی، زیبا صدایم کن و عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی) از دیدگاه توصیفی ژرار ژنت

سجاد نجفی بهزادی*

چکیده

عنوان به‌مثابه عاملی پیرامینی نقش مهمی در جذب مخاطب و خوانش متن دارد. این مؤلفه در آثار داستانی نوجوانان اهمیت و ارزش دوچندانی دارد. عنوان اثر باید به گونه‌ای هنرمندانه انتخاب شود تا بتواند کیفیت متن را به نمایش بگذارد. هدف این پژوهش، بررسی و تحلیل کارکرد توصیفی عنوان رمان‌های هستی، زیبا صدایم کن و عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی بر اساس نظریه‌ی برون‌متنی و درون‌متنی ژرار ژنت است. در این پژوهش عنوان رمان‌های گفته‌شده بر اساس نظریه‌ی ژرار ژنت و کارکردهای توصیفی (مضمونی، کنایی، استعاری و...) بررسی و تحلیل شده‌اند. روش پژوهش، تحلیل کیفی محتوای آثار و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات به‌صورت اسناد کتابخانه‌ای است. نتایج پژوهش نشان داد که رمان *عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی* چندین کارکرد مهم دارد؛ کارکرد جذب‌کنندگی، کارکرد توصیفی از نوع استعاری و عنوانی برون‌متنی از کارکرد آن است. رمان‌های هستی و *زیبا صدایم کن* نیز به ترتیب کارکردی هویتی و مضمونی دارند. عنوان‌های برون‌متنی به‌دلیل ارجاع برخی از اطلاعات به پس‌زمینه ذهن مخاطب، نقش مهمی در مشارکت خواننده در داستان و مفاهیم آن دارند.

واژه‌های کلیدی: رمان نوجوان، *زیبا صدایم کن*، *عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی*، عنوان، کارکرد توصیفی ژنت، هستی.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد najafi23ir@yahoo.com

۱. مقدمه

عنوان، ورودی هر متن است که نقش مهمی در جذب مخاطب و خوانش اثر دارد. «عنوان داستان، برجستگی است که نویسنده به یاری آن داستان خود را از سایر داستان‌ها متمایز می‌کند» (یونسی، ۱۳۹۶: ۱۰۸). برخی از نویسندگان برای داستان خود عنوانی انتخاب نمی‌کنند تا خواننده با خوانش داستان، خود عنوان را انتخاب کند. «گاهی نداشتن عنوان نیز به نوعی آشنایی‌زدایی است و می‌تواند غیبت این مؤلفه را برجسته سازد و به محتوای متفاوت و شیوه‌ی بیان متمایز آن اشاره داشته باشد» (بشیری و آقاجانی، ۱۳۹۵: ۹۶). به عقیده‌ی نوبرت، عنوان، پرسشی را که فقط متن می‌تواند به آن پاسخ دهد، مطرح می‌کند. «عنوان می‌گوید و درعین‌حال پنهان می‌کند؛ می‌نمایاند و مخفی می‌کند. نادانی را طرح و میل به دانستن را خلق می‌کند» (کنگرانی، ۱۳۸۸: ۸۵). کلمات و عباراتی که برای عنوان داستان انتخاب می‌شوند، باید سنجیده باشند؛ به‌ویژه آثاری که برای گروه سنی کودک و نوجوان نوشته می‌شود؛ چون «علاوه بر طراحی مناسب جلد کتاب به‌عنوان یک مؤلفه‌ی پیرامنی، این عنوان است که مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را به خوانش متن سوق می‌دهد. عنوان به اثر تشخیص می‌بخشد و آن را از دیگر آثار متمایز می‌سازد» (بشیری و آقاجانی، ۱۳۹۵: ۹۶). شفیع‌ی‌کدکنی در زمینه‌ی اهمیت عنوان کتاب می‌گوید: «نام اثر نه‌تنها برای دریافت خود اثر که برای دریافت ویژگی‌های خالق اثر نیز کافی است. هیچ ضرورتی ندارد که برای تحلیل ساحت‌های جمال‌شناسی یک شاعر حتماً دیوان‌های او خوانده شود، می‌توان از روی نام کتاب‌ها، ذهنیت او را تحلیل کرد» (شفیع‌ی‌کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۴۲). عنوان اثر، آستانه و ورودی هر متن به شمار می‌آید؛ انتخاب هنرمندانه آن کلید ورود خواننده به متن اثر است. «اهتمام نشانه‌شناسی به‌عنوان اتفاقی نیست؛ بلکه کلیدی اساسی است که منتقد برای ورود به ژرفای متن برای کنکاش و تأویل به آن مسلح است» (بخیت و همکاران، ۱۴۳۴: ۲۰ به نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۲).

ژرار ژنت^۱ درباره‌ی عنوان اثر می‌گوید: عنوان، نقشی پیرامنی دارد و عناصر درون‌متنی در داستان می‌تواند همان عناصر داستان و مجموعه‌ای از شگردها و تکنیک‌هایی باشد که

^۱ Gérard Genette

یک نویسنده در متن به کار می‌گیرد. عناصر برون‌متنی نیز مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژی‌های حاکم در عصر نویسنده باشد که بدون آگاهی از آن‌ها گاهی فهم متن دشوار و غیرممکن می‌شود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۲).

۱.۱. بیان مسئله

اهمیت انتخاب عنوان برای آثار داستانی کودکان و نوجوانان باتوجه‌به نیازها و شرایط سنی‌شان اهمیت دو چندان دارد. باتوجه‌به رشد و گسترش حوزه‌های فضای مجازی و بازی‌های رایانه‌ای که امروزه در دسترس کودکان و نوجوانان قرار دارد، نویسندگان کودک باید در انتخاب عنوان، موضوع و تم داستان خلاقیت داشته باشند تا بتوانند با دنیای مجازی رقابت کنند و کودکان را به مطالعه و خوانش داستان ترغیب کنند. یکی از شگردهای خلاق در جذب مخاطب، انتخاب عنوان مناسب برای اثر است؛ عنوانی که کودک را برای خوانش داستان تشویق کند. یونسی در کتاب *هنر داستان نویسی* برای عنوان داستان چند ویژگی مهم در نظر گرفته است. «عنوان داستان باید تازه باشد، برانگیزنده‌ی فکر باشد، نگاه مخاطب را تسخیر کند. طرح داستان را آشکار نکند، متناسب با داستان باشد» (یونسی، ۱۳۹۶: ۱۱۰). مؤلفه‌های بیان‌شده می‌تواند در انتخاب عنوان اثر برای کودک و نوجوان مهم و اثرگذار باشد. باتوجه‌به مطالب پیشین و اهمیت انتخاب عنوان مناسب برای آثار کودکان، هدف این پژوهش بررسی عنوان رمان‌های نوجوان بر اساس کارکردهای توصیفی ژرار ژنت در زمینه‌ی عنوان داستان است. سؤال‌های پژوهش عبارتند از: ۱. عنوان رمان‌های نوجوان بررسی شده بیشتر بر اساس کدام کارکرد انتخاب شده‌اند؟ ۲. عنوان کدام‌یک از سه رمان بررسی شده می‌تواند در جذب و ترغیب مخاطب به خوانش اثر مؤثر باشد؟

۲.۱. پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی تحلیل عنوان رمان‌های نوجوان بر اساس کارکردهای توصیفی ژرار ژنت پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ ولی درباره‌ی عنوان داستان و رمان، پژوهش‌هایی صورت

گرفته که به برخی از مهم‌ترین نمونه‌ها اشاره می‌شود. معادی‌خواه (۱۳۹۲) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد خود با عنوان *پیرامتن‌های عنوان و عنوان‌بندی به‌مثابه آستانه‌ی متن در سینما با تأکید بر آثار عباس کیارستمی* با تکیه بر نظریات ژرار ژنت در باب بینامتنیت، عنوان و عنوان‌بندی فیلم را گونه‌هایی از پیرامتن معرفی کرده که در چگونگی خوانش مخاطب از متن اثر نقش مهمی ایفا می‌کنند. نامورمطلق (۱۳۸۸) در مقاله‌ی «عنوان‌شناسی آثار هنری و ادبی ایرانی؛ مطالعه‌ی نشانه‌شناختی عنوان هنری از قرن چهارم تا دوازدهم»، با رویکرد نشانه‌شناسی، عناوین آثار ادبی و معمارانه‌ی فرهنگ ایرانی را از قرن چهارم ه.ق تا پایان دوره‌ی صفوی بررسی کرده و سپس به نقش اقتصادی عناوین امروزی اشاره می‌کند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که «عنوان» در انتقال مفهوم آثار هنری دخالت دارد و بخشی اثر محسوب گشته و جدا از آن نیست. بشیری و آقاجانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ی «بررسی تطبیقی عنوان در رمان‌های ادبیات پایداری با تکیه بر رمان‌های دا و ام‌سعد» به مسئله‌ی عنوان از دیدگاه ژنت و ادبیات پایداری پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که در هر دو داستان، عنوان درون‌متنی است؛ به این معنی که به متن داستان ارجاع دارد و نه بیرون از آن.

صالحی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان «بررسی عنوان داستان‌های جنگ حوزه‌ی کودک و نوجوان»، به مقوله‌ی عنوان از نظر ساختار و محتوا پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که ساختار عنوان‌ها در دهه‌ی شصت بیشتر ساده است تا ترکیبی؛ با فاصله‌گرفتن از جنگ، عنوان‌ها نیز هنری‌تر می‌شود و مضامین عنوان‌ها نیز بیشتر به زمان جنگ توجه دارد تا پشت جبهه یا نوستالژی جنگ. محمدی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ی «بررسی تطبیقی عنوان داستان در آثار زکریا تامر و صادق هدایت»، به این نتیجه رسیدند که عناوین داستان‌ها از سویی نشان‌دهنده‌ی آشنایی دو نویسنده با انواع شگردهای بلاغی است و از سوی دیگر می‌تواند انعکاس‌دهنده‌ی مشکلات و شرایط دشوار زندگی مردم و فرهنگ رایج در عصر دو نویسنده باشد که با بیانی متفاوت در عنوان انعکاس یافته است. گرجی (۱۳۹۰) در مقاله‌ی خود با عنوان «تحلیل نشانه‌معناشناختی رمان‌های سیاسی فارسی ۱۳۵۱-۱۳۸۰» به این نتیجه رسیده است که حدود سی درصد این نام‌ها با

مفاهیمی همچون درد و رنج انسان درآمیخته است که بیشترین این تعداد مربوط به دهه‌ی دوم (۱۳۷۰-۱۳۶۱) با بسامد ۴۵٪ است.

۳.۱. روش پژوهش

روش تحقیق به صورت تحلیل کیفی محتوای آثار است و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات نیز به شکل اسناد کتابخانه‌ای است. در این پژوهش عنوان رمان‌های نوجوان (هستی، عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی و زیبا صدایم کن) از نظر کارکردهای توصیفی ژرار ژنت بررسی و تحلیل شده‌اند. رمان‌های هستی و زیبا صدایم کن از آثار فرهاد حسن‌زاده و عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی اثر جمشید خانیان از انتشارات کانون پرورش فکری کودک و نوجوان است.

۲. مبانی نظری پژوهش

ژرار ژنت درباره‌ی عنوان داستان می‌گوید: «مجموعه‌ای از عناصر درون‌متنی و برون‌متنی، نشانگر عناصری است که در آستانه‌ی متن قرار گرفته و دریافت یک متن از سوی خوانندگان را جهت‌دهی و کنترل می‌کند. این آستانه شامل یک درون‌متن است که عناصری مانند عناوین، عناوین فصل‌ها و مقدمه‌ها را دربرمی‌گیرد؛ همچنین شامل یک برون‌متن است که عناصر بیرون از متن مورد نظر را دربرمی‌گیرد» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۴۸-۱۴۹). از نظر ژنت عنوان داستان نقش پیرامتنی دارد. «پیرامتن، گفتمان مشایعت‌گونه‌ای است که متن را همراهی یا به اصطلاح مشایعت می‌کند. متن را گفتمان‌های متفاوتی همراهی می‌کند که یکی از آن‌ها، عنوان داستان است» (ژوو، ۱۳۹۴: ۳). پیرامتن نقش مهمی در شکل‌گیری افق انتظار خواننده دارد. عنوان و دیباچه دو نمونه‌ی مهم از عوامل پیرامتن هستند. عنوان مانند روزنه‌ای میان متن و خواننده و در آغاز متن قرار می‌گیرد و بر محتوا و درون‌مایه‌ی اثر دلالت می‌کند. در هنر و ادبیات پست‌مدرن و معاصر، با توجه‌کردن معنا و مفهوم پنهان در اثر هنری و مطرح‌شدن مباحث هرمنوتیکی و بینامتنی، توجه به عنوان در انتقال مفهوم افزایش یافته و هنرمندان با عنوان‌گذاری آگاهانه آثارشان

سعی در تعیین سمت‌وسوی کلی اثر خود دارند. ژرار ژنت کارکردهای متفاوتی برای عنوان داستان در نظر گرفته است.

کارکرد هویتی: یکی از کارکردهای مطرح‌شده برای عنوان، کارکرد هویتی است. عنوان یک اثر، هویت آن را برای مخاطب آشکار می‌سازد. «از عنوان، قبل از هر چیز، برای تعیین یک کتاب یا نامیدن آن استفاده می‌شود. عنوان به‌مثابه نام کتاب یا کارت شناسایی اوست. بنابراین عنوان یک اثر به‌تنهایی معیار کافی برای بازشناسایی آن اثر است» (ژوو، ۱۳۹۴: ۶).
کارکرد ضمنی: ارزش و کارکرد ضمنی به کلیه‌ی معانی جانبی یک عنوان اشاره دارد. عنوان معانی ضمنی متعددی دارد و می‌تواند به صورت تکریم‌آمیز یا با صبغه‌ی ریشخندگونه تداعی‌کننده‌ی شیوه‌ی نوشتاری نویسنده، عصر یا گونه‌ی ادبی خاص و هم معرف و ویژگی‌های یک شاخه ادبی باشد.

کارکرد جذب‌کنندگی: یکی از عوامل مهم در عنوان داستان، کارکرد جذب‌کنندگی آن است. عنوان می‌تواند هم به‌واسطه‌ی شکل ظاهری و هم به‌سبب محتوای ذاتی خود به این مهم دست یابد. در کارکرد جذب‌کنندگی، عنوان داستان می‌تواند نقش مهمی در هنجارشکنی ایفا کند و با ایجاد نوعی شک در خواننده توجه او را به اثر جلب نماید.

کارکرد توصیفی: مهم‌ترین کارکرد بررسی‌شده در این پژوهش، کارکرد توصیفی عنوان است که خود به چند زیرمجموعه تقسیم می‌شود. در کارکرد توصیفی، عنوان داستان اطلاعاتی درباره‌ی محتوا و قالب داستان در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. ژرار ژنت در کارکرد توصیفی، عنوان را به دو بخش محتوا و فرم یا قالب تقسیم کرده است. «دسته‌ی اول را که در باب محتوا هستند، عناوین مضمونی و دسته‌ی دوم که درباره‌ی فرم یا قالب اثر هستند، عناوین صوری می‌نامد» (همان: ۶)؛ عنوان‌های مضمونی که معرف درون‌مایه هستند و به شیوه‌های مختلفی ارائه می‌شوند.

عنوان‌های موضوعی: این عنوان‌ها به محتوای اثر اشاره دارند؛ مانند جنگ و صلح تولستوی که در آن آرامش و درگیری یکی پس از دیگری در آن تکرار می‌شود. در واقع عنوان برگرفته از محتوای اثر است. برای مثال دل‌بستگی‌ها اثر لاکلوس روابط عاشقانه را گوشزد می‌کند.

عنوان‌های کنایی: عنوان‌هایی که در آن به عنصری ثانوی یا به یکی از شخصیت‌های جنبی و فرعی داستان اشاره می‌کند. «برای نمونه در *باباگوریو اثر بالزاک*، قهرمان حقیقی داستان شخصیت «راستی نیاک» است؛ اوست که در ابتدا و انتهای رمان در مرکزیت داستان واقع شده نه *باباگوریو* پیر و فرتوت که به دنبال ناسپاسی دختران به حال احتضار افتاده است» (ژوو، ۱۳۹۴: ۷).

عنوان استعاری: در این نوع، محتوای اثر به صورت سمبلیک ارائه می‌شود. برای نمونه *سفر به انتهای شب اثر سلین*، به طور استعاری به سیر و سلوک درونی قهرمان داستان اشاره می‌کند که در خلال گذر از سرزمینی به سرزمینی دیگر به کشف تیرگی‌های جامعه و عصری که در آن متحول می‌شود، می‌پردازد؛ تیرگی‌ای که در نهایت وی را با تاریکی دنیای درون خویش آشنا می‌کند (همان: ۸).

عنوان تعریضی: به طرز ریشخندگونه به معرفی ضد مطلبی که از محتوای متن بر می‌آید، می‌پردازد. برای نمونه *شعف زندگی* عنوان یکی از سیاه‌ترین رمان‌های زولاست. بر اساس آن شخصیت رمان همواره با تفکر مرگ دست و پنجه نرم می‌کند. نمونه‌ی دیگر داستان *کودکی یک فرمانده* اثر سارتر است که در آن نوجوانی پیچیده و درگیر با خویش را شرح می‌دهد (رک. ژوو، ۱۳۹۴: ۸).

عنوان‌های مختلط: این عنوان‌ها هم‌زمان هم شامل عنوان‌های مضمونی و هم دربرگیرنده‌ی عنوان‌های صوری هستند. مصداق آن را می‌توان در اثر *خنده و فراموشی* مشاهده کرد؛ همچنین می‌توان از رمان *انه ناس* که هم به موضوع تاریخی «انه ناس» می‌پردازد و هم به استفاده‌ای که از موضوع داستانی در قالب رمان شده، اشاره دارد.

عنوان‌های مبهم: در این عنوان‌ها هم به محتوا اشاره می‌شود و هم به ساختار و قالب، به گونه‌ای که تشخیص آن برای مخاطب آسان نیست. «عنوان‌هایی که هم می‌توانند بازتاب‌دهنده‌ی جنبه‌ی صوری اثر باشند و هم معرف محتوای اثر، بی‌آنکه خواننده بتواند مرز میان آن دو را تشخیص دهد. برای مثال در خصوص تکنیک آینه‌درآینه، عنوان هم به متنی که داخل خود داستان وجود دارد، اشاره دارد و هم به خود اثری که خواننده پیش روی خود دارد» (همان: ۹).

۳. بحث و بررسی

۱.۳. رمان هستی

رمان هستی نوشته‌ی فرهاد حسن‌زاده از مجموعه‌ی رمان نوجوان امروز و از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. این رمان در ۲۶۴ صفحه و در سال ۱۳۸۹ برای گروه سنی نوجوان نوشته شده است.

۱.۱.۳. خلاصه‌ی رمان

رمان هستی، سرگذشت دختری به نام هستی است که دوست ندارد دختر باشد و کارها و رفتارهای پسرانه‌ای انجام می‌دهد. دست هستی در بازی فوتبال می‌شکند و پدرش ناچار است به جای اینکه برای کار در کشتی اروند راهی ژاپن شود، هستی را به بیمارستان ببرد. مادر هستی باردار است. پدر بیشتر اوقات با هستی رفتار بدی دارد و او را به خاطر کارها و رفتار پسرانه‌اش سرزنش می‌کند و برای تحقیر کردن هستی، او را «ادبار» صدا می‌کند، حتی زمانی که هستی او را از مرگ نجات می‌دهد، چون کشتی اروند به دلیل حمله‌ی عراقی‌ها غرق شده است. هستی از رفتار پدر ناراحت است و اغلب فکر می‌کند فرزند این خانواده نیست و در ذهن خود ماجراها و حوادث عجیب و گوناگونی می‌سازد. در همین حین، جنگ شروع می‌شود و بسیاری از خانه‌ها بر اثر بمباران ویران می‌شود. در ادامه و با تشدید اوضاع جنگ، خانواده با موتور دایی جمشید به سمت ماهشهر حرکت می‌کنند. خاله‌نسرین هم برای مدت کوتاهی به آنان می‌پیوندد. هستی در ماهشهر با شخصیت لیلا که او هم جنگ‌زده است، آشنا می‌شود. هستی از لیلا ورزش جودو را می‌آموزد. برادر لیلا، شاپور هم به او قول می‌دهد تا از هسته‌ی خرما برای هستی چیزی بسازد. هستی دوران چشم خانواده و به کمک برادر لیلا موتور را تعمیر می‌کند و تنهایی راهی آبادان می‌شود و آنجا با دایی جمشید و خاله‌نسرین روبه‌رو می‌شود. پدر هستی فردای آن روز برای پیدا کردن او راهی آبادان می‌شود. پدر پس از پیدا کردن هستی، راز مهمی را برای او فاش می‌کند. هنگام بازگشت هستی و پدرش به ماهشهر، دایی جمشید بسته‌ای را به هستی می‌دهد که رزمنده‌ای در حال مرگ پس از شناختن دایی جمشید به

او داده تا به هستی برساند. درون بسته، هسته‌ی خرمایی است که با ظرافت برش داده شده و روی آن نام هستی حک شده است.

۲.۱.۳. بررسی و تحلیل عنوان رمان از دیدگاه ژنت

رمان هستی، روایت دختر نوجوانی است به نام هستی که برخلاف جنسیت خود، دست به کارهای مردانه می‌زند و به ورزش‌هایی نظیر فوتبال، جودو، بسکتبال و... علاقه‌مند است. پدر هستی مخالف رفتار و کنش‌های پسرانه هستی است. رمان روایت جنگ و مبارزان شهر اهواز است. هستی خانواده‌اش را از حوادث جنگ نجات می‌دهد و به جای امنی می‌برد. او روحیه‌ی عجیبی دارد. کارهای او هیچ شباهتی به دختران ندارد. دوست دارد با پسرها فوتبال بازی کند و با دایی جمشید به موتورسواری برود و راندن موتور را از او یاد بگیرد. این رمان انعکاس تلخی‌ها، شکست‌ها، آوارگی‌ها و مقابله‌ی مردم جنوب در دوران جنگ است. هستی علاقه‌ی زیادی به بازی فوتبال دارد. «راننده گفت: «جدا؟! ئی...ئی...دم بریده... دختره؟...ای ول... مو فکر می‌کردم پسره که رفته فوتبال و کار دست خودش داد» (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۶). هستی دیدگاه پدر را درباره‌ی دختران و زنان نمی‌پذیرد. بازی فوتبال در کنار پسران برای پدر هستی پذیرفتنی نیست؛ در حقیقت جامعه‌ی آن روز چنین امری را بر نمی‌تابید. هستی برخلاف بدزبانی‌های پدر به ورزش‌های محبوبش می‌پردازد. واژه‌ی هستی در معنی لغوی، مفهوم حیات و زندگی، وجود، مال و ثروت و خودبینی و در کنار آن، نام دخترانه‌ی «هستی» را به ذهن متبادر می‌کند. عنوان رمان برگرفته از شخصیت اصلی داستان است. لایه‌ی تصویری کتاب با توجه به رمزگان‌های موجود در آن، با واژه‌ی «هستی» به مثابه شخصیت داستانی نوجوان، ارتباط برقرار می‌کند. بسیاری از نشانه‌های خطی درون کفش‌هایی که روی جلد رمان هستند، ترکیبی از رمزگان جنگ و بازی هستند که چندان به دختران ارتباطی ندارند. تنها کوچکی و ظرافت کفش دوزک از یک طرف و گل و قلب موجود در درون کفش می‌تواند با عنوان رمان و شخصیت هستی در جایگاه یک دختر رابطه برقرار کند (رک. جمالی و شیخی، ۱۳۹۷: ۵۹).

انتخاب واژه‌ی «هستی» برای عنوان رمان، تأمل برانگیز است. هستی دختری است که می‌خواهد هستی و وجود خود را آن‌گونه که دوست دارد و هستی اوست به خانواده و جامعه نشان دهد. این مسئله در متن داستان نیز دیده می‌شود. «من دلم نمی‌خواست مثل دخترها بلوز و دامن بپوشم. دلم نمی‌خواست موهایم را بلند کنم و بریزم روی شانه‌هایم یا از پشت ببندمشان. از ژيگول‌بازی و لاک‌زدن هم خوشم نمی‌آمد. انگار زور بود و من باید زیر بار حرف زور می‌رفتم. من عاشق ژیمناستیک و فوتبال بودم» (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۷). در عنوان رمان، مخالفت با سنت‌های گذشته و تفکر مردسالاری به دختر و زن نهفته است. دختر رمان، نمی‌خواهد تابع کلیشه‌های سنتی باشد و فقط در خانه به اموری بپردازد که برای زن و دختر تعریف شده است. پدر هستی که نمونه‌ی تفکر مردسالار گذشته است، از هستی می‌خواهد که دست از کارها و فعالیت‌های مردانه بردارد و به اموری بپردازد که مختص دختران است. پدر گفت: «دختر! باید برند دنبال گلدوزی و خیاطی و آشپزی و نخود و لوبیا شونه پاک کنن. مگه ننه خدا بیامرز مو فوتبال بازی می‌کرد؟» (همان: ۲۶). انتخاب نام شخصیت «هستی» برای عنوان رمان از این نظر اهمیت دارد که مخاطب نوجوان با شخصیت رمان هم‌ذات‌پنداری می‌کند و برای اثبات هستی و وجود خویش و رسیدن خواسته‌هایش تلاش می‌کند. شخصیت هستی در گذر زمان، طعم تلخ ویرانی، آوارگی، مهاجرت، مرگ دوستان و حضور در شهر جنگ‌زده را می‌چشد و در این گذر، به بلوغ، کمال و هویت خود می‌رسد. اگرچه امروزه دختران با محدودیت‌های گذشته چندان مواجه نیستند و آزادی بیشتری در انتخاب دوست و بازی و... دارند؛ ولی هنوز هم تفکر پدرسالاری و نگرش و نگاه محدود به دختران در جامعه‌ی ایران وجود دارد. حسن‌زاده عنوان اثرش را نام دخترانه (هستی) انتخاب می‌کند تا موجودیت و هستی این طبقه از جامعه و چالش میان او و اعضای خانواده‌اش را در یک اثر نسبتاً طنزآمیز به نمایش بگذارد و دید و نگرش منفی به دختران و محدودیت‌ها را تا حدودی کاهش دهد. بر اساس دیدگاه ژنت، عنوان رمان هستی، کارکردی هویتی دارد. عنوان داستان دربرگیرنده زندگی دختر نوجوانی است به نام هستی. شخصیت هستی در تمام صحنه‌ها حضور دارد و ایفای نقش می‌کند. نقش مهم او در زندگی و دنیای داستان، نجات خانواده

از وضعیت بحرانی جنگ است. او با کنش‌ها و رفتارهایش موجودیت خود را ثابت می‌کند و به پدر و اجتماع می‌فهماند که او هم توانایی انجام کارهای بزرگ را دارد و محدود به خانه و امور خانه نیست. عنوان رمان هستی تجسم‌بخش هویت یک نوجوان است. وقتی پدر هستی از انتقال فرزندان و همسر خود به منطقه امن دچار مشکل می‌شود؛ این هستی است که با موتور دایمی جمشید آن‌ها را از خطر دور می‌کند. یا زمانی که پدر برای به‌دست‌آوردن کار و درآمد ناتوان است، این هستی است که گوشواره‌اش را به پدر می‌دهد تا با پول آن بتواند کاری دست‌وپا کند. شخصیت هستی با کنش‌ها و رفتارهای مفید احساس می‌کند از بی‌هویتی به هویت رسیده است. «آلن راس اعتقاد دارد اگر نوجوان در احساس هویت در مقابل بی‌هویتی شکست بخورد، دچار بحران و آشفتگی شخصیت می‌شود. در رمان هستی، زمینه‌ی بی‌هویتی فراهم است، اما هستی هویت خود را به‌مدد شرایط تاریخی وقوع جنگ و نحوه‌ی مواجهه با الگوهایش باز می‌یابد» (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۲). نویسنده با انتخاب عنوان هستی، هویت شخصیت دختر نوجوان را تشریح می‌کند. خواننده نیز در یک فرایند هم‌کنشی و هم‌ذات‌پندارانه به چنین هویتی دست می‌یابد. «شخصیت رمان هستی، هویت واقعی خود را در نام نمادین خود می‌یابد. شخصیت او به هستی (هویت) دیگری می‌رسد که به قول بارت «معنا بُن» می‌شود؛ بازآیندی که جاذبه و حرکت را در رمان پدید می‌آورد» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۲۴، به نقل از رنجبر و همکاران، ۱۳۹۸). شخصیت هستی، برخلاف تفکر پدر و نگرش جامعه به موجودیت زن و اعمال محدودیت برای او، امور مهم و دشواری را انجام می‌دهد که مردانی چون پدر و دایی او از انجام آن ناتوان هستند. «وقتی فکرم را به مامان گفتم، یک ماچ آبدار از لپم چید و گفت: تو نابغه‌ای! بابا گفت: چیه قربون صدقه هم می‌رین؟ مامان به بابا گفت: مگه تو دست راست چلاق نشده؟ مگه دست چپ هستی نشکسته؟ بله منظور؟ ذوق‌زده گفتم: ما دوتا با هم موتور می‌رونیم. مو گاز میدوم. شما کلاچ بگیر و دنده عوض کن» (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۹۴). خلاقیت و توانایی هستی، به‌عنوان دختری نوجوان، خانواده را از خطر نجات می‌دهد. رفتار و کنش‌های جسورانه هستی خواننده را به تأمل وا می‌دارد. «خواننده با مجموعه‌ای از روابط متقابل، ابراز وجود، تحول شخصیتی، مهارت‌های

اجتماعی و کنش‌های هیجانی در پیشبرد اهداف فردی و اجتماعی شخصیت نوجوان داستان مواجه می‌شود» (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۴).

حسن‌زاده با انتخاب عنوان «هستی» برای اثر خود، علاوه بر نشان‌دادن اهمیت حضور زن در جامعه و شرایط بحرانی جنگ، به دنبال انتقال هویت به مخاطب خویش است. شخصیت هستی کنش‌ها و رفتارهایی از خود نشان می‌دهد که خواننده‌ی نوجوان را بیشتر به تأمل وا می‌دارد. «در حقیقت نویسنده توانسته نوجوانی را به تصویر بکشد که با عبور موفقیت‌آمیز از تعارض اجتماعی جنگ به هویت‌یافتگی، توانمندی، بنیادی وفاداری، صداقت، اصالت و وظیفه‌شناسی در روابط اجتماعی برسد» (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۳۵). شخصیت هستی متوجه می‌شود که حتی با وجود دختربودنش می‌تواند به اندازه‌ی مردان مفید باشد و دست به کارهای بزرگی بزند. او ابتدا دوس داشت پسر باشد و کارهای پسرانه انجام دهد؛ اما در مسیر داستان، اتفاقاتی رخ می‌دهد که او را به هویت خود نزدیک‌تر می‌کند. این عنوان، کارکرد هویتی دارد و از نظر طبقه‌بندی توصیفی، کارکردی مضمونی دارد؛ زیرا دربردارنده‌ی محتوا و درون‌مایه داستان است.

۲.۳. عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی

این رمان به قلم جمشید خانیان برای گروه سنی نوجوان نوشته شده که دو موضوع عشق و جنگ را در خود جای داده است. این رمان در سال ۱۳۸۹ و در ۱۶۶ صفحه از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ رسیده است.

۱.۲.۳. خلاصه‌ی رمان

سارا شخصیت نوجوان داستان به همراه خانواده‌ی خود در خرمشهر زندگی می‌کند. پدر او تعمیرکار پیانو است و با دیدن دستان کشیده‌ی سارا آینده‌ی درخشانی در موسیقی برای او پیش‌بینی می‌کند. زمانی که پدر برای گذراندن یک دوره‌ی تعمیر پیانو به آلمان می‌رود، جنگ شروع می‌شود و سارا به همراه مادر، برادرش سام، باغبانشان عموغازی و همسرش عنقا راهی اهواز می‌شوند. سارا که عاشق پیانوی خود (کوکو) است، هنگام فرار از شهر برخلاف میل اعضای خانواده، کوکو را پشت وانت عموغازی می‌گذارد و می‌برد. آن‌ها

در بین راه و در سیاهی شب با بی‌بی و یونس نوجوان روبه‌رو می‌شوند. با شدت گرفتن بمباران‌های دشمن، به‌ناچار کوکو را در بیابان رها می‌کنند تا بتوانند یونس و بی‌بی را با خود ببرند. سارا در ابتدا به‌دلیل از دست دادن کوکو، حس ناخوشایندی به یونس پیدا می‌کند. یونس برخلاف سن خود اطلاعات زیادی دارد، به‌صورت وارونه شعر می‌گوید و نگاه زیبا و شاعرانه‌ای به طبیعت و مسئله‌ی عشق دارد. کم‌کم سارا به شخصیت عجیب و غریب یونس کنجکاو و به او علاقه‌مند می‌شود. یونس در گفت‌وگوهایش با سارا از شخصیتی به نام سلما صحبت می‌کند که به او علاقه دارد و مخاطب شعرهای اوست. سارا که کنجکاو است سلما را بشناسد به‌صورت پنهان، یونس را تا باغی که محل زندگی معشوق اوست، تعقیب می‌کند. در این میان یونس یک روز بعد از بازگشت پدر سارا از آلمان، به‌علت کار زیاد در چاه و کمبود اکسیژن، دچار خفگی می‌شود و می‌میرد. سارا تصمیم می‌گیرد خبر مرگ یونس را به سلما بدهد. در نتیجه به باغ مد‌نظر می‌رود. او یک دفترچه شعر و یک ماهی سنگی زیبا می‌بیند و اینجاست که سارا متوجه می‌شود سلمای یونس، خودش است و در همه‌ی این مدت، یونس عاشق او بوده و شعرهایش را برای او می‌سروده است.

۲.۲.۳. نقد و بررسی عنوان رمان از دیدگاه ژنت

طرح جلد کتاب نقش مهمی در شناسایی متن کتاب دارد و در حقیقت برانگیزاننده‌ی مخاطب در گزینش آن است. «جلد کتاب پنجره‌ای است که مخاطب را به اندرون کتاب راهنمایی می‌کند» (قایی‌نی، ۱۳۹۰: ۳۸۰). طرح روی جلد رمان به‌عنوان یک مؤلفه‌ی پیرامنتی، همخوانی مناسبی با عنوان و متن داستان دارد. انتخاب رنگ آبی و گستره‌ی آن در تمام جلد اثر (صفحه‌ی رو و پشت اثر) تداعی‌کننده‌ی دریا و عنصرهای عنوان یعنی یونس و شکم ماهی است. قرار گرفتن چند سنگ کوچک و بزرگ در پایین صفحه‌ی عنوان و حک‌شدن تصویر ماهی روی سنگ، کنجکاوی مخاطب را دوچندان می‌کند. سازه‌ها و عناصر روی جلد (عناصر پیرامنتی) به‌خوبی مخاطب را به خوانش داستان ترغیب می‌کنند. اولین برداشت و تصور مخاطب از سازه‌های جلد اثر، داستان حضرت یونس و شکم ماهی است. «تصویر روی جلد در ارتباط با لایه‌های متنی عنوان و متن اثر و نیز

عناصر پیش‌متنی، همچون داستان یونس پیامبر، بیش‌متنی تشکیل داده که بسیار عمیق و چندلایه است» (جمالی و شیخی، ۱۳۹۷: ۶۹). تصویر ماهی روی صفحه‌ی جلد که به قول نویسنده در موومان دوم، «رنگ استتار» دارد، نشانگر جایگاه شخصیت یونس است. یونس خود را با زبان وارونگی که اختراع خود او است، «سنوی» می‌خواند. «گفتم: و یونس از چپ به راست می‌شود سنوی. و او خندید و گفت: سنوی، صاحب ماهی» (خانیان، ۱۳۸۹: ۱۵۴). یونس در شکم ماهی گیر افتاده است، با مرگ خود از دهان ماهی بیرون می‌آید و از آن دنیای تاریک و مادی، رها می‌شود. «بی‌بی‌ام همیشه می‌گه ما گناهکارهایی هستیم که گیر افتادیم توی تاریکی شکم ماهی و به‌راحتی نمی‌میریم. وقت مردن که برسه، اون وقت ماهی دهن باز می‌کنه» (همان: ۷۰). در بخش‌های دیگر داستان نیز به مسئله‌ی مرگ و بیرون‌آمدن از شکم ماهی که تمثیلی از دنیای تاریک مادی است، اشاره شده است. «دنیای مادی، همچون شکم ماهی است که ما انسان‌های گناهکار در آن اسیر شده‌ایم و تنها راه رهایی از آن، بازشدن دهان ماهی و مرگ است (همان: ۱۱۹-۱۴۲). یونس از دنیای تاریک شکم ماهی که نمادی از دنیای پر از جنگ و زشتی و پلشتی است، رها می‌شود. مرگ او در چاه اتفاق می‌افتد. حین‌کندن و حفر چاه دچار خفگی می‌شود و می‌میرد. یونس در فضای تاریک چاه از دنیا می‌رود. سنگ‌هایی که بر روی جلد اثر و در عمق آب قرار دارند، می‌توانند نشانه‌هایی نمادین از فضایی باشند که شخصیت اصلی در آن جان خود را از دست می‌دهد. «دریا محل تولد، استحاله و تولد دوباره است» (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۷، ج ۵: ۲۱۶). برخی از ویژگی و خصلت‌های ماهی با شخصیت داستان (یونس) همسانی دارد. «ماهی با تولد یا تجدید دوره، در ارتباط است. ماهی، هم منجی است و هم وسیله‌ی کشف و شهود. ماهی موجودی ساکت و حیرت‌آور، پنهان اما باهوش است (همان: ۱۴۰-۱۴۳). شخصیت یونس هم باهوش و هم کم‌حرف است. علاقه و عشق خود را به سارا پنهان می‌کند. در فضایی تنگ و تاریک می‌میرد. او با مرگش تولدی دوباره می‌یابد. سارا بعد از مرگ یونس و کشف حقیقت عشق، به‌نوعی کشف و شهود و عشق ماورایی می‌رسد.

عنوان رمان از واژه‌های کلیدی تشکیل شده که هر کدام نماد و حالت رمزگونه‌ای به خود گرفته‌اند و مخاطب را در یک حالت کنجکاوکننده قرار می‌دهد. مخاطب با دیدن و شنیدن عنوان رمان، داستان حضرت یونس و ماجرای رفتن به شکم ماهی برایش تداعی می‌شود. همین اشاره‌ی تلمیحی به کاررفته در عنوان مخاطب را وادار می‌کند؛ داستان و حوادث آن را دنبال کند. رابطه‌ی بینامتنی این اثر با داستان یونس پیامبر و اشاره‌ای ضمنی به ماجرای حضرت یونس (ع)، باعث خلق معنا و مفاهیم متفاوتی شده است و بر جنبه‌ی روایتی تصویر افزوده است. یک بخش عنوان، عاشقانه‌های یونس است؛ شخصیتی که نقش کم‌رنگی در داستان دارد و اساس رمان نیز عشق او به ساراست. خواننده از طریق روایت غیرخطی و فلش‌بک‌های راوی در جریان شخصیت یونس و عشق او قرار می‌گیرد. سخنان و لحن سارا درباره‌ی یونس به شکل غیرمستقیمی علاقه و عشق آن‌ها را بیان می‌کند. سارا که از یونس به خاطر پیانو و رهاکردن آن در بیابان ناراحت است، به او می‌گوید دیوانه. علاقه‌ی سارا در سخنان سام برای مخاطب آشکار می‌شود. تا میانه‌های داستان هنوز خبری از عاشقانه‌های یونس نیست. در حقیقت عاشقانه‌های یونس در کنش‌ها و رفتارهایش نمایان است؛ زیرا هر دو (سارا و یونس) از بیان علاقه‌شان شرم دارند. بخش دوم عنوان یعنی؛ در شکم ماهی برای مخاطب جذاب و درعین حال تأمل‌برانگیز است. رفتارها و کنش‌های سارا و یونس غیرمستقیم عشق را منتقل می‌کند؛ اما عبارت شکم ماهی هنوز برای مخاطب مجهول است. راوی در بخش‌هایی از داستان از ماهی اندود و خشکی سخن می‌گوید. یونس مسابقه‌ای اجرا می‌کند و به سارا می‌گوید اگر بتواند از روی صندلی بلند شود، ماهی خشک و اندودشده زیبایی به او می‌دهد. آنچه باعث می‌شود ذهن مخاطب منحرف شود، علاقه‌ی یونس به شخصیت سلماست. شخصیتی که وجود ندارد و در واقع همان شخصیت ساراست. شرم یونس از بیان اسم معشوق و علاقه‌اش به سارا باعث شده نام سلما را بر زبان بیاورد. تا پایان داستان زمانی که سارا برای ملاقات سلما و گفتن خبر مرگ یونس به دریچه‌ای می‌رسد و در آن ماهی خشک شده‌ای می‌بیند که روی آن عاشقانه‌ی یونس حک شده است. شخصیت یونس از زبان سام برادر سارا این‌گونه توصیف می‌شود. «سام گفت: یونس چند تا آدمه؛ یک آدمش

چندسالی از من و تو (سارا) بزرگتره؛ یه آدم دیگه‌اش خیلی از من و تو بزرگتره؛ یک آدم دیگه‌اش شاعره؛ یک آدم دیگه‌اش همه‌چیز بلده؛ یه آدم دیگه هم داره که هم شعبده‌بازه و هم جادوگره. دیدی چه جوری یه هوایی غیب‌شدن و دوباره ظاهرشدن؟ من گفتم: شاید ولی... چیزی رو که مطمئنم اینه که... صدای خیلی خوبی داره و این به خاطر اینه که بینی و دهن و فک‌هایش درست و به‌جا قرار گرفتن» (خانیان، ۱۳۸۹: ۶۹). جملات سارا احساس درونی‌اش را به‌صورت غیرمستقیم به یونس می‌گوید. گاهی گفتار و رفتار سارا نسبت به یونس مسئله‌ی دوست‌داشتن و عشق را کم‌رنگ می‌کند و مخاطب همچنان سلما را مخاطب شعرهای عاشقانه یونس می‌داند. نویسنده به‌خوبی کنجکاوی مخاطب را مدیریت می‌کند و تا انتها او را معلق و هیجان‌زده نگه می‌دارد تا داستان را به انتها برساند. انتخاب روایت غیرخطی و تکرارهای متناوب که گاهی زمان حال و گاهی گذشته را بیان می‌کند، باعث شده که مخاطب با تمرکز زیاد حوادث را دنبال کند.

اسطوره‌ای اشاره دارد. موضوع رمان نیز جنبه‌ی عرفانی و معنوی دارد. عشق و علاقه‌ی یونس به سارا، عشقی هدایت‌گر و ماورایی است. «مبنای حرکت عشق در این اثر از عشق زمینی به سوی عشق آسمانی است. عشق شخصیت‌های نوجوان این داستان همراه با نوعی حیا و غرور است که با دورشدن از جنبه‌های شهوانی و خواهش‌های نفسانی به مفهوم عشق ورای هستی پیوند می‌خورد. این نیروی عشق، شخصیت‌ها را از دنیای موحش جنگ و خون دور می‌کند و فاصله‌ی طبقاتی، جدایی‌ها و مخالفت‌ها را از میان برمی‌دارد و درنهایت در حکم یک نیروی آموزنده و هدایت‌گر عمل می‌کند» (فرهادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۲).

از زیرمجموعه‌های عنوان‌های برون‌متنی، بحث بینامتنیت در استفاده از اسامی شخصیت‌های اسطوره‌ای است. «عناصری است که به‌صورت غیرمستقیم با متن ارتباط دارند و از دنیای بیرون متن حکایت می‌کند، عناصر برون‌متنی نامیده می‌شوند» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۴۹). یکی از عنصرهای مهم در گزینش و انتخاب عنوان داستان در گذشته فرهنگی و مذهبی ما، ارتباط و اقتباس از داستان‌ها و شخصیت‌های دینی و قرآنی بوده است. شخصیت یونس که در عنوان داستان قرار دارد، در نگاه اول اشاره‌ی تلمیحی به

داستان حضرت یونس و شکم ماهی دارد. در رمان *عاشقانه‌های یونس* در شکم ماهی نیز رگه‌های از عرفان و عروج عاشق و رهایی او از شکم ماهی که نماد دنیای تاریک و مادی است، دیده می‌شود. ساختار متن دو لایه است. یک لایه‌ی آن مربوط به حوادث جنگ و مهاجرت خانواده‌ی سارا به تهران و دیگری همراهی یونس و بی‌بی با خانواده سارا و شکل گرفتن عشقی ماورایی و آسمانی است. عنوان دارای کلماتی رمزآلود و نمادین است. یونس و شکم ماهی در این رمان نماد هستند. نمادهایی که به جهان بیرون متن ارجاع داده می‌شوند. شخصیت یونس برای سارا، وارونه شعر می‌گوید و در میان بازی‌های خود، همیشه سارا را به نگاه کردن در آینه که به نوعی نماد قلب عارف است، راهنمایی می‌کند. او به سارا ثابت می‌کند که عکس همه چیز در آینه وارونه نشان داده می‌شود. «این حقیقت علمی، تمثیلی از این نکته‌ی عرفانی است که این جهان سایه عالم مُثُل است و هیچ چیز در آن وجود حقیقی ندارد؛ بلکه وجود هر چیزی وابسته به عالم ملکوت است و این جهان تنها وسیله‌ای برای شناخت و کشف حقیقت عالم هستی است» (فرهادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۰). مؤلفه‌های شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای، مسئله‌ی بینامتنیت در داستان و درون‌مایه (عشقی ماورایی و معنوی) عنوان رمان را در گروه عنوان‌های برون‌متنی قرار داده است. انتخاب عنوان‌های جذاب و برون‌متنی، علاوه بر جذابیت و ترغیب مخاطب به خوانش داستان، الگویی مناسب برای مشارکت خواننده در داستان نیز به شمار می‌رود؛ زیرا با ایجاد شکاف‌هایی در متن زمینه‌ی فعالیت خواننده را فراهم می‌نماید. از آنجاکه عنوان، کارکردهای متفاوتی دارد و نشانی از هویت متن محسوب می‌شود، نویسندگان، در انتخاب آن بر اساس دلایل متعددی عمل می‌کنند و آن را مانند نقابی بر چهره‌ی متن می‌گذارند تا حس کنجکاوای مخاطب را برانگیزند و او را به کاوش در متن وادارند (رک. محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۲).

۳.۳. رمان زیبا صدایم کن

رمان زیبا صدایم کن اثر فرهاد حسن‌زاده در ۱۹۰ صفحه و در سال ۱۳۹۴ از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در قالب رمان نوجوان امروز برای گروه سنی نوجوان منتشر شده است.

۱.۳.۳. خلاصه‌ی رمان

رمان زیبا صدایم کن اثر فرهاد حسن‌زاده به زندگی دختر نوجوانی به نام زیبا می‌پردازد که پدرش در تیمارستان بستری است و مادرش هم به‌تازگی ازدواج کرده و او را تنها گذاشته است. ناپدری زیبا بداخلاق است و او را مجبور به موافقتی، دزدی و کارهای دیگر می‌کند. زیبا به پدرش کمک می‌کند تا از تیمارستان فرار کند. پدر زیبا به‌دلیل بیماری اسکیزوفرنی در آسایشگاه بستری است. حوادث رمان در طول یک روز اتفاق می‌افتد. روزی که پدر زیبا برای او تولد می‌گیرد، دست به کارهای مختلف و خطرناک می‌زند. زیبا اگرچه با رفتار و کارهای پدر مخالف است؛ اما علاقه و مهری که به او دارد باعث می‌شود با پدرش همراه شود. زیبا باید یک روز تمام با پدرش که تعادل روانی ندارد، زندگی کند. او با اینکه دلش برای خانواده و گردش با پدر و مادرش تنگ شده، ولی از رفتارهای عجیب پدرش خجالت می‌کشد و حتی از او می‌ترسد. در پایان زیبا، با هماهنگی مسئولان جای پدرش را لو می‌دهد و او را به تیمارستان باز می‌گرداند. خواننده در رمان، هم‌سفر شخصیت زیبا می‌شود. سفری یک‌روزه، از صبح تا شب در شهری که بوی گوگرد، سرب، دود جگرکی و بلالی می‌دهد.

۲.۳.۳. تحلیل عنوان رمان از نظر ژنت

عنوان رمان با ایهام ظریفی همراه است؛ زیبا صدایم کن. «زیبا» هم به معنای اسم شخص و هم در معنای صفت (زیبابودن) مدنظر است. آنچه از متن رمان و حوادث آن استنباط می‌شود این است که واژه‌ی «زیبا» در معنای اسم شخص به کار رفته است. شخصیت اصلی رمان، زیبا دختری پانزده‌ساله است که نقش مهمی به‌عنوان یک دختر نوجوان در زندگی با پدری که وضعیت روانی مناسبی ندارد، در رمان ایفا می‌کند. همین ایهام نهفته در عنوان، یکی از دلایل افزایش کنجکاوی مخاطب و ترغیب او به خوانش متن است.

طرح روی جلد رمان نیز همخوانی مناسبی با عنوان دارد. تصویر زیبا و پدرش و نمایی از ساختمان‌های شهر و جرثقیل بزرگ طرح روی جلد اثر را تشکیل می‌دهند. «در بسیاری از موارد، کشف انواع رموز موجود در تصویر، وابسته به عنوان (یا برعکس) است. عنوان در فهم مخاطبان و رمزگشایی گفتمان دیداری، نقش مهمی دارد» (رادمنش و شعیری، ۱۳۹۲: ۷-۸). قرارگرفتن ساختمان‌های شهر و یک جرثقیل بزرگ در کنار دو شخصیت رمان، ارتباط بسیار نزدیک و ظریفی با لایه‌های متن دارد. پدر زیبا می‌خواهد روز جشن تولد دخترش کنار او باشد و هر کاری می‌تواند برایش انجام دهد، اما چون از تیمارستان فرار کرده همیشه نگران است که مبادا این روز خوب را خراب کند. جرثقیل بزرگی که روی طرح جلد قرار دارد؛ شاید امن‌ترین نقطه برای آرامش یک پدر در کنار دخترش باشد. جایی که بدون هیچ مزاحمتی بتواند با دخترش حرف بزند. حالت قرارگرفتن زیبا و پدرش به صورت نیم‌رخ در تصویر روی جلد، نوعی شتاب، عجله و نگرانی را به مخاطب منتقل می‌کند. استفاده از رنگ سرد (سبز) برای جلد نیز با عنصرهای متن همخوانی دارد و به نوعی نگرانی و تنش را به همراه دارد. رنگ سبز کارکردهای مثبت و منفی دارد که کارکردهای منفی آن یعنی نبود تعادل و ایجاد تنش را در تصویر روی جلد می‌توان مشاهده کرد که با متن هم ارتباط نزدیکی دارد. «رنگ سبز نشان‌دهنده‌ی شرایط روحی و «تنش انعطاف‌پذیر» است و از دیدگاه روان‌شناسی، ثبات قدم و استقامت را بیان می‌کند. رنگ سبز به عنوان یک عامل تنش، مثل یک سد، عمل می‌کند که در پشت آن، هیجان ناشی از تحریکات خارجی وجود دارد» (لوشر، ۱۳۷۶: ۷۹). رنگ سبز همچنین نشان‌دهنده‌ی احساس امنیت و حمایت از طرف دیگران نیز هست. پدر زیبا تا زمانی که کنار دخترش به سر می‌برد؛ احساس امنیت می‌کند؛ ولی این امنیت و آرامش موقتی است؛ زیرا با حضور مسئولان تیمارستان و بازگشت او به آنجا دوباره دچار تنش شود. طرح روی جلد، رنگ و عنوان و دیگرسازهای تصویری از عوامل مهم پیرامنی هستند که نقش تأثیرگذاری در جذب مخاطب دارند. عنوان، ارتباط نزدیکی با متن و حوادث رمان دارد. پدر زیبا از او می‌خواهد که در فرار از تیمارستان به او کمک کند. علاقه‌ی زیاد زیبا به پدرش باعث همراهی زیبا می‌شود. «گفت معلومه که میدن. سگ کی باشن ندن. فقط

باس کمکم کنی. می‌فهمی زیبا؟ گفتم: چی کار کنم یعنی، کمک واسه چی؟ گفت: ای بابا چرا دو زاریت کچه؟ من که نمی‌تونم همه‌چی رو داد بزنم. کمک دیگه. می‌فهمی؟ گفتم: معلومه که می‌فهمم. لابد باید کمکت کنم از اون جا جیم بشی درسته؟» (حسن‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۲). واژه‌ی «زیبا» هسته‌ی اصلی عنوان رمان را تشکیل می‌دهد تا پیام و درون‌مایه‌ی داستان به مخاطب منتقل شود. او با پدرش همراه می‌شود تا صدای افراد مانند پدرش را به گوش جامعه برساند. «زیبا، صدای پدرش شده تا ضمن بیان جزئیات رفتار مردم، خود و پدرش را در تقابل با جامعه‌ای قرار دهد که معنای راستین انسانی خود را از دست داده است و به سوی شیء‌وارگی پیش می‌رود» (رنجبر، ۱۳۹۷: ۱۰۳).

از نظر کارکردهای توصیفی ژرار ژنت، عنوان رمان، عنوانی مضمونی است. «عنوان‌های مضمونی که معرف درون‌مایه هستند و به شیوه‌های مختلفی ارائه می‌شوند» (ژوو، ۱۳۹۴: ۴). عنوان رمان، گویای وضعیت افرادی است که به دلیل بیماری‌های روانی مغفول مانده‌اند و سرخورده‌حال و ناتوان به دنبال راهی برای رهایی از این وضعیت هستند. پدر زیبا هر کاری می‌کند تا از تیمارستان فرار کند. علی‌رغم بهبود نسبی وضعیت بیماری پدر زیبا؛ اما به او مرخصی نمی‌دهند. نویسنده، شخصیت زیبا را در عنوان رمان قرار می‌دهد تا ویژگی‌های شخصیت پدر زیبا را بهتر نشان دهد. «زیبا نوجوانی پانزده‌ساله است که صدای پدر می‌شود تا به شیوه‌ای وصفی با گسست خط روایت و مکانیسم گزارش جزئیات مکان، زمان و شخصیت‌های دنیای بی‌آینده و معترض پدر را به خواننده ارائه دهد» (رنجبر، ۱۳۹۷: ۱۰۵). عنوان رمان *زیبا صدایم کن* با مسئله‌ی توهم صدا و برون‌سازی واقعیت آن در بیماری پدر زیبا (اسکیزوفرنی) مناسبت دارد. بیماری «اسکیزوفرنی بیماری است که فرد در آن حالتی از توهم صدا را تجربه می‌کند. صدایی که منبعی خارج از سر او دارد و دیگران آن را نمی‌شنوند» (رنجبر، ۱۳۹۷: ۱۰۵). نویسنده، شخصیت زیبا را برای یک روز با پدرش همراه می‌کند تا گسست‌های ناشی از بیماری‌های روانی را برجسته‌تر نماید. پدر تا زمانی که کنار زیبا به سر می‌برد، حالش خوب است. او می‌خواهد فقط زیبا صدایش کند. فقط زیبا کنارش باشد تا بتواند توهم صدا (صداها)ی مختلفی که از مکان‌های مختلف دریافت می‌کند) را از بین ببرد. «پدر و دختر با انتقال

مسئله‌ی بیماران اسکیزوفرنی از آسایشگاه به شهر، به دنبال انعکاس صداهای مخالف موجود هستند. این صداها در روایت شخصیت زیبا از زندگی خویش و یک روز گردش در شهر با پدر بیمارش نشان داده می‌شود، اما جامعه‌ای که همه‌چیز را در آرامش می‌خواهد، در شوک فرار دختر و پدر قرار می‌گیرد» (رنجبر، ۱۳۹۷: ۱۰۷). عنوان رمان، برای مخاطب نوجوان کنجکاوی برانگیز است. ابهامی که در عنوان نهفته شده، وسیله‌ای برای جذب مخاطب است. یکی از کارکردهای مهم عنوان، جذب مخاطب و ترغیب او به خوانش متن است. از نظر لئو هوک^۱، واضع علم عنوان‌شناسی، عنوان مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی متشکل از واژه‌ها و جمله‌هاست که جهت متن را مشخص می‌کند، به محتوای کلی داستان و متن اشاره می‌نمایند و مخاطبان را جذب می‌کند (رک. محمدی و قاسمی دورآبادی، ۱۳۹۵: ۸۱).

پدر زیبا که دچار بیماری روانی است، برای رهایی از آسیب‌های ناشی از توهم صدا، قوانین سخت‌گیرانه‌ی آسایشگاه، خواهان برقراری ارتباط با دخترش و شنیدن صدای اوست. صدایی که برای لحظه‌ای او را از توهم صداهای اطرافش خارج سازد. بهترین بهانه برای این ارتباط، برگزاری جشن تولد دونفره است. گویی تنها زیباست که می‌تواند پدر بیمارش را از تنگنا و ناتوانی جامعه در زمینه‌ی معضل به وجود آمده، نجات دهد. حسن‌زاده در انتخاب عنوان رمان، موفق عمل کرده و عنوانی را برگزیده که کیفیت متن و شخصیت‌ها را برای مخاطب به نمایش گذاشته است و در ذهن مخاطب تنشی را به وجود آورده که ممکن است حتی بعد از خوانش متن این تنش همچنان پایدار باشد. «گاه عنوان نوری بر دنیای متن می‌تاباند و محتوای کلی آن را روشن می‌نماید؛ گاهی نیز همچون حجابی بر دنیای متن قرار می‌گیرد و نه تنها هیچ نشانی از آن در اختیار مخاطب قرار نمی‌دهد، بلکه در ذهن وی تنش ایجاد می‌کند و او را به سوی متن می‌کشاند» (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۱).

^۱. Leo Hock

۴. نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل عنوان رمان‌های نوجوان بر اساس نظریه پیرامنتی ژرار ژنت و کارکردهای مختلف عنوان (توصیفی، هویتی، جذب‌کنندگی و...) نشان داد که انتخاب هنرمندانه عنوان تأثیر زیادی در ترغیب مخاطب به خوانش متن و داستان دارد. از میان آثار بررسی‌شده، رمان *عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی*، بر اساس نظریه‌ی ژنت از عنوانی برون‌متنی و کارکردی مضمونی برخوردار است. عنوان برون‌متنی، عنوانی است که به جهان خارج از متن نیز اشاره دارد و فهم بخشی از پیام داستان را به پس‌زمینه‌ی ذهن مخاطب واگذار می‌کند. واژه‌های یونس و شکم ماهی تداعی‌کننده داستان حضرت یونس برای مخاطب است. درحالی‌که ماجرای رمان، روایت عشقی معنوی و ماورایی است که نمادین بودن شخصیت یونس، مرگ نمادوار و خروج او از شکم ماهی که نماد دنیای تاریک و مادی است، جنبه‌های برون‌متنی اثر را آشکارتر کرده است. عنوان این رمان بر خلاف دو رمان دیگر، کارکردهای دیگری چون جذب‌کنندگی و کارکرد استعاری نیز دارد. عنوان رمان هستی، عنوانی هویتی است. شناسنامه اثر و هویت شخصیت داستانی را نشان می‌دهد. شخصیت هستی در این رمان به هویت خویش در اوضاع نابسامان جنگ دست می‌یابد. عنوان رمان هستی، موجودیت و هستی دختر داستان را به مخاطب انتقال می‌دهد و در حقیقت عنوانی درون‌متنی دارد. عنوان رمان *زیبا صدایم کن* نیز با ابهامی که در آن نهفته است، از عنوان‌های درون‌متنی است. این عنوان اشاره به مضمون داستان دارد و گویای وضعیت افرادی است که به دلیل بیماری‌های روانی مغفول مانده‌اند و سرخورده‌حال و ناتوان به‌دنبال راهی برای رهایی از این وضعیت هستند. هر سه اثر، عنوانی مناسب و جذاب دارند. نویسندگان در انتخاب عنوان موفق عمل کرده‌اند. به‌طوری‌که افزون‌بر انتقال مفهوم، با ارجاع برخی از مفاهیم به پس‌زمینه‌ی ذهن مخاطب، زمینه‌ی مشارکت او را در داستان فراهم نموده‌اند. انتخاب عنوان‌های برون‌متنی نقش مهمی در جذب مخاطب و گسترش حس کنجکاوی او دارد.

منابع

- آلن، گراهام. (۱۳۸۰). بینامتنیت. ترجمه‌ی پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
- احمدی، علی اصغر. (۱۳۸۷). شخصیت و رفتار. تهران: رضایی آشتیانی.
- بشیری، محمود؛ آقاجانی، سمیه. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی عنوان در رمان‌های ادبیات پایداری با تکیه بر رمان‌های دا و ام سعد». متن‌پژوهی ادبی، سال ۲۰، شماره‌ی ۶۸، صص ۹۳-۱۱۴.
- جمالی، عاطفه؛ شیخی، طاهره. (۱۳۹۷). «نشانه‌شناسی لایه‌ای تصویر روی جلد رمان‌های نوجوان». مطالعات ادبیات کودک، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۱۷، صص ۴۹-۷۲.
- حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۸۹). هستی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۹۴). زیبا صدایم کن. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- خانپان، جمشید. (۱۳۸۹). عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی. تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.
- رادمنش، شبنم؛ شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۲). «بررسی نشانه‌معناشناسانه‌ی رابطه عنوان با اثر نقاشی؛ مطالعه‌ی موردی «تداوم خاطره» اثر سالوادور دالی و «جیغ» اثر ادوارد مونش». نقد ادبی، سال ۶، شماره‌ی ۲۴، صص ۷-۳۰.
- رنجبر، محمود. (۱۳۹۷). «تحلیل رئالیسم انتقادی پروبلماتیک در رمان زیبا صدایم کن». مجله‌ی نقد و نظریه ادبی، سال ۳، دوره‌ی ۲، صص ۹۹-۱۱۹.
- ژوو، ونسان. (۱۳۹۴). بوپتیقای رمان. ترجمه‌ی نصرت حجازی، تهران: علمی و فرهنگی.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۶). زمینه اجتماعی شعر فارسی. تهران: زمانه و اختران.
- شوالیه، ژان؛ گبران، آلن. (۱۳۸۷). فرهنگ نمادها. ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، ج ۳ و ج ۵، تهران: جیحون.
- صالحی، ساره و همکاران. (۱۳۹۸). «بررسی عنوان داستان‌های جنگ حوزه‌ی کودک و نوجوان». فنون ادبی، دوره‌ی ۱۱، شماره‌ی ۲، صص ۵۱-۶۸.

- فرهادی، طیبه و همکاران. (۱۳۹۹). «عشق هدایتگر و ماورایی در رمان عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی». *ادب غنایی*، سال ۱۸، شماره‌ی ۳۵، صص ۱۴۱-۱۶۴.
- قایی‌نی، زهره. (۱۳۹۰). *تصویرگری کتاب‌های کودکان*. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی هنری پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان.
- کنگرانی، منیژه. (۱۳۸۸). *مجموعه مقالات چهارمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر به انضمام مطالعات هم‌اندیشی سینما*. تهران: فرهنگستان هنر.
- گرچی، مصطفی. (۱۳۹۰). «تحلیل نشانه‌معناشناختی رمان‌های سیاسی فارسی از ۱۳۵۱-۱۳۸۰». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره‌ی ۲۰، صص ۱۸۳-۲۰۵.
- لوشر، ماکس. (۱۳۷۶). *روان‌شناسی و رنگ‌ها*. ترجمه‌ی منیر و روانی‌پور، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات فرهنگستان یادواره.
- محمدی، ابراهیم و همکاران. (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی عنوان داستان در داستان‌های صادق هدایت و زکریا تامر». *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۲، صص ۱۹۱-۲۱۷.
- محمدی، ابراهیم؛ قاسمی‌دورآبادی، طاهره. (۱۳۹۵). «بررسی و تحلیل عنوان کتاب‌ها و سروده‌های مهدی اخوان ثالث». *ادب فارسی*، سال ۶، شماره‌ی ۱، (پیاپی ۱۷)، صص ۷۷-۹۲.
- معادی‌خواه، سمانه. (۱۳۹۲). *پیرامتن‌های عنوان و عنوان‌بندی به‌مثابه آستانه‌ی متن در سینما با تأکید بر آثار عباس کیارستمی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد دانشکده‌ی هنر ادیان و تمدن‌ها.
- نامورمطلق، بهمن. (۱۳۸۸). «عنوان‌شناسی آثار هنری و ادبی ایرانی مطالعه‌ی نشانه‌شناختی عنوان هنری از قرن چهارم تا دوازدهم». *مجموعه مقالات چهارمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر به انضمام مقالات هم‌اندیشی سینما*، فرهنگستان هنر، صص ۷۵-۱۱۲.
- یونسی، ابراهیم. (۱۳۹۶). *هنر داستان‌نویسی*. تهران: نگاه.